

راهبرد سیاست خارجی ایران پس از صدام

دکتر کیهان برزگر^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۱۸

ایران پس از سقوط صدام با اتخاذ تصمیم "سیاست کمک به دیگر کشورها" در قالب گسترش همکاری ها با بازیگران اصلی دنیای عرب به ویژه "مصر" و "عربستان سعودی" را در پیش گیرد. حضور ایران با نیروهای ائتلاف بر سر اوضاع فراگیر امنیتی عراق و افغانستان بخشی از این تلاش ها را تشکیل می داد. ایران امیدوار بود که بدین روش از بروز دوره جدید از رقابت با همسایگان عرب زبان خود و ایجاد معضل امنیتی جدید در روابط خود با آمریکا بکاهد. معزل امنیتی ایران بیشتر بخاطر سیاستهای مختلف آمریکا بود زیرا دولت بوش با انتصاب نخبگان هم عقیده در عراق امیدوار بود تا بتواند به انتلافی بر علیه ایران و همچنین لغو برنامه هسته ای ایران برسد.

واژگان کلیدی: دولت دهم، کشورهای عرب، امنیت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ . استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، علوم و تحقیقات، تهران، ایران
K_barzegar@yahoo.com

مقدمه:

براساس دیدگاه غالب در آمریکا، سیاست خارجی احمدی نژاد و حضور روزافزون ایران در منطقه تهاجمی، توسعه طلبانه، و اغلب ایدئولوژیک است. هرچند ایران گاهی از فرصت‌ها به سود خویش بهره‌جسته است، چنین توصیفی مبالغه‌ای بیش نیست. در عوض، فعالیت ایران را بایستی از منظری عمل‌گرایانه‌تر مورد بررسی قرار داد. هرچند احمدی نژاد شخصی ایدئولوژیک و متمایل به مخالفت با نظر جمع است، راهبرد سیاست خارجی ایران همواره او را به واقع‌بینی سوق نمی‌دهد.

در صورتی که فعالیت‌های رهبران ایران تهاجمی و توسعه‌طلبانه باشد، انتخاب منطقی آمریکا تأمین بازدارندگی به صورتی قاطع خواهد بود. در مقابل، اگر سیاست‌های ایران دفاعی باشد، انتخاب منطقی آمریکا تلاش برای همکاری با ایران و در نهایت تسهیل ادغام ایران در بافت امنیت سیاسی منطقه خواهد بود. بدون شک، ادغام ایران و در نهایت تسهیل ادغام ایران در بافت امنیت سیاسی منطقه خواهد بود. بدون شک، ادغام ایران در بافت سیاسی منطقه جزئی لاینفک از راه حل معضل هسته‌ای کنونی ایران و تشنج‌زدایی گسترده‌ای است که ایران و آمریکا سال‌ها در انتظار آن هستند. واکنش‌های بایستی از سوءتعبیر فعالیت‌های ایران اجتناب ورزد. برداشت‌های غلط دولت بوش مانع از ادامه حضور و همکاری این دولت گردید. باراک اوباما بایستی از تکرار این اشتباه بپرهیزد. وی بایستی به بازنگری تصور کنونی از اهداف منطقه‌ای ایران و تعریف مجدد جایگاه ایران در سیاست خاورمیانه آمریکا بپردازد.

پس از انتخابات ریاست جمهوری ژوئن ۲۰۰۹، مفسران و سیاست‌گذاران غرب درباره شکاف میان نخبگان سیاسی ایران و چگونگی بهره‌گیری از آن برای اعمال نفوذ در برنامه هسته‌ای ایران و مناقشات حل‌نشده منطقه به گمانه‌زنی پرداخته‌اند. هرچند، این سیاست نتیجه‌چندانی در بر نخواهد داشت. با وجود این که تفاوت‌هایی در روش و رویکرد نخبگان ایران وجود دارد، مشخص است که برنامه هسته‌ای ایران به ویژه در برابر تهدیدهای خارجی نظیر تحریم‌های رو به افزایش و حمله خارجی قادر است ایشان را

بار دیگر متحد سازد. با این حساب، موضع دولت اوپاما نسبت به دوره دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد چگونه باید باشد؟

چالش های امنیتی نوین ایران

در دوره اول ریاست جمهوری احمدی نژاد، ایران بیشتر به چالش های نوین امنیتی ناشی از حضور نظامی آمریکا در مرزهای مشترک خود با عراق و افغانستان پرداخت. با این همه، میراث تاریخی و خاطرات تلخ ناشی از آن در این رویکرد تأثیر داشتند. پس از تحمیل دو شکست خفت با از سوی ارتش های خارجی در امتداد مرزهای خود و هجوم آن ها به میهن خود بیزار و نسبت به آن حساس شدند. با تقسیم ایران میان ارتش "شوروی" و "انگلستان"، کودتای هماهنگ سازمان مرکزی اطلاعات موسوم به ام-۱۶ که منجر به سقوط دولت مردمی نخست وزیر وقت "محمد مصدق" گردید، و حمایت آمریکا از رژیم بعث در جنگ تحمیلی (۱۹۸۰-۱۹۸۸) که طبق برآورد ها بیش از یک میلیون قربانی داشت، بار دیگر تاریخ تکرار شد.

امروزه با ورود دولت اوپاما (به عرصه سیاسی آمریکا) شایعات فراوانی مبنی بر ایجاد تغییری اساسی در رویکرد آمریکا نسبت به ایران به گوش می رسد. با این حال، از نظر ایران، رویکرد طولانی مدت آمریکا نسبت به موازنه قدرت در منطقه چندان تغییر نکرده است. به مدت بیش از پنجاه سال، سیاست آمریکا در خاورمیانه و به ویژه در خلیج فارس حفظ موازنه قدرت و جلوگیری از قدرت یافتن کشورهای این منطقه بوده است. در نتیجه، رهبران ایران مذاکرات اوپاما با سوریه را ادامه سیاست های بوش برای منزوی ساختن ایران و تحدید توان آن برای اعمال نفوذ در تحولات منطقه دانستند. دیدارهای حساب شده اوپاما از "ترکیه" و "مصر" و دیپلماسی عمومی وی در این کشور در کنار اظهارات دوستانه او مبنی بر دنیای اسلامی بزرگتر همگی تلاش هایی برای افزایش حمایت کشورهای بین المللی به شمار آمدند. این باور رهبر انقلاب "آیت الله خامنه ای" را بر آن داشت که در پاسخ به پیام تبریک سال نوی "اوپاما"، بر این مهم تأکید ورزد که هر گونه تغییر در رویکرد ایران منوط به ایجاد تغییراتی "حقیقی" و "راستین" در موضع

آمریکا نسبت به ایران است. چالش‌های ژئوپلیتیکی ناشی از "بحران" در "عراق" و افغانستان هرچند ایران را در قالب سیاست‌های منطقه‌ای قرار داده است و منجر به ایجاد فرصت‌هایی جدید شده است، منشأ چالش‌های امنیتی شدید برای امنیت ملی ایران نیز بوده است. هر چند قدرت یافتن گروه‌های شیعه و کرد در دولت عراق، نقش ایران را در منطقه پررنگ‌تر نموده است، موجب چالش‌هایی بی‌نظیر مانند رقابت‌های "ژئوپلیتیکی قومی"، "افراط‌گرایی سنی‌ها"، "جنگ‌های مذهبی" و "داخلی"، احتمال تجزیه ارضی و گسترش ناامنی و بی‌ثباتی در منطقه نیز شده است. علاوه بر آن، تنش‌های موجود بر سر مسئله "فدرالیسم عراق" به یکی از مهم‌ترین مسائل در عرصه امنیت ملی ایران تبدیل شده است. عراقی متشکل از بخش‌های کوچک‌تر و ضعیف‌تر زمینه نفوذ روزافزون رقبای منطقه‌ای (نظیر اسرائیل) را در مناطقی مانند منطقه کردنشین عراق - در گستره ایران - فراهم می‌آورد. چالش‌های موجود در برابر حساسیت‌ها و رقابت‌های سیاسی کشورهای منطقه در امتداد مرزهای ایران نیز پدیدار گشته‌اند. برای نمونه، هراس از کم‌رنگ شدن هویت عربی، عراق، عربستان سعودی را وادار به مداخله بیشتر در مسائل شیعیان و کردهای این کشور نمود. امروزه، ترکیه بیش از پیش به مسائل مربوط به شیعیان و سنی‌هایی که در فدرالیسم عراق دخالت دارند، علاقه نشان می‌دهد و اردن و مصر با وقاحت تمام نسبت به شکل‌گیری "هلال شیعی" به رهبری ایران در منطقه هشدار داده‌اند. هرچند نگرانی بر سر روابط ایران با شبه‌نظامیان حزب الله همچنان باقی است، مسائل عراق بیش از پیش به مسایل داخلی لبنان مربوط می‌شود. با اتخاذ سیاست اتحاد با دولت‌های غیر عرب در منطقه، اسرائیل امروز بیش از پیش در مناطق غالباً کردنشین عراق حضور دارد و از فعالیت روزافزون ایران در مناطق شیعه‌نشین جنوب عراق و تأثیر آن بر منطقه خلیج فارس نگران است. در پایان، مسائل عراق و افغانستان در اثر همکاری‌های فراملیتی روزافزون میان عوامل و حامیان "القاعده" روز به روز بیشتر درهم تنیده می‌شوند.

معضل امنیتی ایران بیشتر مولود سیاست‌های مختلف آمریکا در هشت سال گذشته بوده است. دولت بوش با انتصاب نخبگان هم‌عقیده با خود در عراق و تلاش برای تبدیل

عراق به الگویی احتمالی برای ایران به امید ایجاد "موازنه قدرتی نوین" در منطقه و تشکیل ائتلافی خصمانه با رژیم های سنی مذهب منطقه بر ضد ایران و مخالف با برنامه هسته ای این کشور سعی در حذف نقش منطقه ای ایران نمود. سیاست های فوق همگی تلاش هایی برای تعریف مجدد نظم امنیت سیاسی منطقه بودند که ایران در آن نقشی حداقلی در گستره امنیتی خود ایفا می کرد.

در نتیجه، ایران و آمریکا یکدیگر را به چشم دشمنان استراتژیک در رقابت برای تفوق بر دیگری دیدند. اعمالی که واشنگتن برای افزایش امنیت خود انجام می داد، در نظر ایران پراکندن تخم ناامنی تلقی می شد و بالعکس. هرچند امید می رود که دولت اوباما سیاست های پیشین را پیش رو قرار ندهد، هیچ اقدام مشخصی در این راستا انجام نشده است. در نتیجه، ایران به کرات خواستار خروج نیروهای آمریکایی شده و به مخالفت شدید با موافقت نامه امنیت سیاسی آمریکا-عراق پرداخته است. این موافقت نامه منجر به اقامت طولانی مدت نیروهای های آمریکایی و در نتیجه نهادینه شدن نقش آمریکا در گستره امنیت سیاسی ایران گردید. با این همه، خبر خروج برنامه ریزی شده نظامیان آمریکا در اوت ۲۰۰۹ پاسخی مثبت از سوی تهران دریافت کرده است. هرچند ایران پذیرای تغییر روش سیاسی دولت اوباما و درک بیشتر جزئیات منطقه بوده است، برای اندیشیدن به روابط مستقیم آمریکا- ایران هنوز زود است. علاوه بر آن، احتمال وضع تحریم های بیشتر بر محصولات نفتی از سوی واشنگتن همواره رو به افزایش است. با این حال، اعتقاد به اینکه وضع تحریم منجر به تغییری اساسی در رفتار ایران می شود، اعتقادی نادرست است. احمدی نژاد در دوره دوم ریاست جمهوری خود سیاست خارجی حفظ منافع "ژئواستراتژیک" و "جایگاه ایران" را در منطقه پیگیری خواهد کرد. البته سیاست مزبور به دلیل تغییر روش دولت اوباما و تأکید وی بر دیپلماسی سیاستی تعدیل شده خواهد بود. بهبود اوضاع امنیتی عراق و افغانستان نبایستی مانع از درک این حقیقت گردد که ایران در صورت لزوم می تواند طی ماه ها و سال های آینده نفوذ خود را به روشی بسیار مشکل آفرین برای نیروهای ائتلاف اعاده کند. از نظر ایران، همکاری این کشور در منطقه همواره موجب خشنودی و تکبر غرب نسبت به ایران شده است.

شاید یکی از بارزترین نمونه‌های چنین تحولی را بتوان در ایران دوران ریاست جمهوری "محمد خاتمی" رئیس‌جمهور اصلاح طلب این کشور یافت. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، ایران و متحدان آن حمایتی چشمگیر از نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا و حملات اولیه آن به افغانستان و برکناری طالبان به عمل آوردند. هرچند، دیری نپایید که جرج بوش در سخنرانی سالانه خود درباره وضعیت آمریکا در سال ۲۰۰۲ ایران و متحدانش را به عنوان اعضای "محور شرارت" تقبیح نمود. این عمل نه تنها موجب تضعیف شدید رئیس‌جمهور فعلی ایران گردید. بلکه به گروه‌های بدبین‌تر ثابت نمود که همکاری با آمریکا تأثیر چندانی در کاهش خصومت تزلزل‌ناپذیر آمریکا با ایران نخواهد داشت. ایران کاملاً آگاه است که آمریکا جزئی اساسی در تمامی معادلاتی است که نقش ایران را در منطقه تضمین می‌کنند. این کشور با وجود سخنان مثبت اوباما همچنان به شدت به اعمال آمریکا مشکوک است.

رهبران ایران بارها بر ضرورت تغییری حقیقی در سیاست دولت اوباما تأکید ورزیده‌اند. تحقق چنین امری مستلزم تغییر سیاست سنتی موازنه قدرت به عنوان منشأ تنش‌ها و مناقشات احتمالی در روابط ایران و همسایگان آن است. جنگ ایران و عراق نتیجه مسابقه‌ای تسلیحاتی بود که از سیاستی مشابه نشأت می‌گرفت. سیاست مزبور از دید ایران به هم خوردن معادلات قدرت در این کشور و عدم تأمین دراز مدت خواهد انجامید. از نظر ایران، هرگونه گرایش به قدرت‌گیری فدرالیسم در عراق مقدمه‌ای بر تشدید بی‌ثباتی در منطقه خواهد بود، با در نظر گرفتن ژئوپلیتیک قومی ایران، چنین شرایطی تأثیری ویران‌گر بر امنیت ملی ایران خواهد نهاد.

ملاحظه دوم که در دوران ریاست جمهوری بوش در کانون سیاست ایران قرار داشت، بر حمایت از عوامل "ایدئولوژیک و دینی" متمرکز است و بر این تأکید می‌کند که حمایت ایران از گروه‌های دوست شیعه مذهب برای تقویت نقش آن‌ها در توزیع قدرت در عراق ضروری بوده است. سیاست مزبور موجب تأمین منافع ایران و مقابله این کشور با چالش‌های امنیتی در آینده به ویژه چالش‌های ناشی از حضور "آمریکا" در "عراق"

خواهد شد. روابط پراکنده ایران با گروه‌های تندروی شیعه نظیر گروه "الصدر" بیشتر مصلحتی و کوتاه مدت است تا بلند مدت و استراتژیک. هدف از این سیاست‌ها عمدتاً تضعیف سیاست یک جانبه آمریکا برای ممانعت از حضور ایران در عرصه سیاسی عراق است.

سیاست اعلام شده و بلند مدت دولت "نوری المالکی" و "گروه‌های میانه روی" عراق (نظیر الدعوات و شورای عالی اسلامی عراق) برای بهبود روابط استراتژیک این کشور با ایران موجب شده است که ایران همواره حمایت خویش را از ایشان در عرصه سیاسی عراق اعلام کند. وساطت موفق ایران میان دولت المالکی و شبه نظامیان شیعه مذهب شهرک صدر در بغداد نشانگر حمایت ایران است. در واقع، ایران آشکارا از دولت عراق در برابر ارتش مهدی و شبه نظامیان شهرک صدر حمایت نمود. دو گروه مزبور در گذشته در مخالفت با نفوذ ایران در عراق بیانیه‌هایی خصمانه بر ضد ایران صادر کرده بودند. برخلاف تصور رایج در آمریکا و کارآمد و قابل قبول نبود. نایست با ناامن ساختن ایران امنیت منطقه را تأمین ساخت. در عوض، اواما بایستی سیاستی را پیش رو بگیرد که به موازنه منافع تمامی بازیگران منطقه ای یا فرامنطقه ای منجر گردد. وی همچنین بایستی به مقابله با تصور موجود در آمریکا بپردازد که ایرانی قدرتمند منافع آمریکا را در منطقه به خطر خواهد انداخت.

دوره دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد

سیاست خارجی غیرمنفعانه احمدی نژاد آمیزه ای از عناصر ایدئولوژیک و متمایل به حفظ منافع زئواستراتژیک و امنیت ملی ایران است. هدف از اتخاذ سیاست مزبور مقابله با چالش‌های وارده بر امنیت ایران و بهره جستن از فرصت‌هایی است که در اثر خلا ناشی از سقوط رژیم بعث و طالبان در منطقه ایجاد شده است. این سیاست دارای تأثیری مستمر است و رفتار دولت کنونی ایران در دروه دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد را تعیین می کند. ایدئولوژیک یا عمل گرایانه بودن اقدامات منطقه ای احمدی نژاد معانی سیاسی متفاوتی برای آمریکا خواهد داشت. با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی و

امنیتی منافع قدرت متعدد ایران، سیاست‌های منطقه‌ای و خارجی این کشور همواره متأثر از دو عامل ژئوپلیتیک و ایدئولوژی بوده است.

سیاست خارجی ایران در برابر عراق نمونه‌ای خوب است. از ماه مارس ۲۰۰۳، سیاست‌های ایران متأثر از ملاحظات زیر بوده است: ملاحظه نخست بر تمامیت ارضی عراق تأکید می‌کند و حاصل درک این مهم است که حفظ اتحاد این کشور بایستی از اهداف اصلی سیاست ایران باشد. در نتیجه، سیاست حمایت ایران از گروه‌های شیعه مذهب در عراق به بر دنیای عرب که پیروزی حزب المالکی را در انتخابات استانی عراق چالشی در برابر ایران می‌دانستند، نتایج به قدرت رسیدن دولت وی کاملاً با منافع ایران هماهنگ بود. ایران به دلیل نقش متوازن و متعادل خود در عراق پس از سقوط حزب چاره‌ای جز اجتناب از ایجاد از رقابت با همسایگان عرب خود بعث خود و تلاش برای جلوگیری از ایجاد معضل امنیتی جدیدی در روابط خود با آمریکا ندارد. در نتیجه، ایران برای تنظیم سیاست خود در برابر عراق از ابزارهایی عملی و ایدئولوژیک بهره‌جسته است. از یک سو، برای مقابله با تهدید نظامی احتمالی آمریکا در مواقع ناامنی این تهدید با حمله آمریکا به عراق آغاز شد. از گروه‌های دوست و شیعه مذهب عراقی حمایت می‌کند. از سویی دیگر، با تأکید بر اتحاد عراق سعی در خنثی‌سازی اثرات مخرب شکاف‌های ایدئولوژیک، قومی و فرقه‌ای این کشور بر امنیت ملی ایران نموده است. از این لحاظ، حتی عامل ایدئولوژی به عنوان عاملی تأثیرگذار در قدرت ملی در خدمت منافع ملی ایران بوده است.

سیاست خارجی و راهبرد دفاعی ایران

ایران در حال حاضر امنیت منطقه را به دیده مسابقه‌ای بدون بازنده می‌نگرد که بهترین عمل برای حفظ منافع ایران در آن پیشبرد مسابقه‌ای پنجاه، پنجاه است. ایران می‌داند که آمریکا دارای منافع حیاتی در عراق و کل منطقه است و منطقه را به طور کامل ترک نخواهد کرد. همچنین می‌داند که مردم آمریکا و منطقه از حضور طولانی مدت آمریکا استقبال نخواهد کرد. در نتیجه، از نظر ایران، حد وسط احتمالی این است که به آمریکا در تأمین منافع خود بدون نیاز به حضور گسترده در منطقه یاری رساند.

استقرار نوعی جدید از موازنه منافع و موازنه امنیت میان ایران و آمریکا ارزش استراتژیک این معادله است. از این لحاظ، همکاری سابق ایران با آمریکا و دیگر بازیگران منطقه در پایان بخشی به بحران افغانستان در سال ۲۰۰۱ گویا است.

گسترش همکاری با آمریکا و دیگر بازیگران منطقه در رفع ناامنی در عراق نیز نشانه دیگری از تمایلات عمل گرایانه ایران است. تمایل شدید ایران به انجام مذاکرات مستقیم با آمریکا بر سر مسائل امنیتی عراق بدان معنا است که ایران از نظر استراتژیک نقش آمریکا در عراق را پذیرفته است. ایران از طریق همکاری و مداخله تلاش می کند که تهدید ناشی از حضور آمریکا را در منطقه به حداقل برساند. ایران تصمیم گرفته تا از این طریق به پیشبرد مسابقه ای پنجاه، پنجاه بپردازد. به همین ترتیب، ایران محتاطانه از درگیری مستقیم با آمریکا در عراق و خلیج فارس اجتناب می کند. از نظر رابطه با دیگر بازیگران عمده منطقه نظیر عربستان سعودی و مصر، ایران راهبرد حفظ روابط دوستانه از طریق اطمینان بخشی و همکاری را دنبال می کند. برای نمونه، ایران سعی کرده است که از طریق مشارکت فعال در همایش های منطقه با موضوع بحران در عراق و لبنان همکاری منطقه ای خود را افزایش دهد. از دیدگاهی استراتژیک، موقعیت ژئوپلیتیک ایران، منافع قدرت آن و قابلیت های سیاسی-فرهنگی خاص آن چنین ایجاب می کند که ایران حضور خود را در منطقه افزایش دهد. با وجود تغییراتی که در "گرایش مجدد" دولت اوباما نسبت به ایران ایجاد شده است، نخبگان سیاسی تهران حضور بیشتر ایران در منطقه را ضروری می دانند. چنین تصویری بر سه فرض سیاسی اساساً دفاعی استوار است:

منطقه ای ناامن و بی ثبات

زندگی در منطقه ای بی ثبات در چند دهه گذشته برای ایران گران تمام شده است. بی ثباتی مستمر و درگیری های قومی در مرزهای غربی (عراق)، دولت های شکست خورده و بی ثبات در شرق (افغانستان و پاکستان)، دولت های رو به استحاله در شمال (آسیای مرکزی و قفقاز) و رژیم های خودکامه و از نظر امنیتی وابسته در جنوب و خلیج فارس که هر یک در

معرض تغییرات سیاسی- اجتماعی در آینده هستند، اساس همسایگی ناامن و بی ثبات ایران را تشکیل می دهند. چنین منطقه ناامنی موجب گسترش رقابت ها، درگیری های نظامی، بحران ها و در نتیجه حضور قدرت های خارجی می گردد. احیای طالبان در افغانستان در سال های اخیر نمونه ای مناسب است. بخشی عظیم از توان سیاسی و اقتصادی ایران صرف مقابله با تهدید های گوناگون در منطقه می گردد. نیاز به تشکیل ارتشی قدرتمند برای حفاظت از مرزهای ملی ایران در این بعد از نیازهای امنیت ملی ایران ریشه دارد. برای نمونه، رژیم پهلوی استمرار ارتش بزرگ ایران را برای مقابله با تهدید نظامی رژیم بعث در آینده توجیه می کرد.

امنیتی در هم تنیده

ایران برای مقابله با تهدید هایی که در مرزهای نزدیک رخ می دهند، راهبرد دفاعی متمرکز بر ساخت مفهوم "امنیت در هم تنیده" را اتخاذ کرده است. مفهوم مزبور به معنای اتخاذ "دفاع تهاجمی" یا دفاع از طریق حضور نظامی فعال است. از نظر نخبگان حاکم بر ایران، "امنیت منطقه" به معنای "امنیت ایران" به معنای امنیت منطقه است. ایران برای حفظ "امنیت منطقه" بهایی سنگین می پردازد و در مقابل پاداشی درخور دریافت نمی کند. اگر امنیت منطقه برای آمریکا و دولت های منطقه ای حائز اهمیت است، آن ها بایستی به این حقیقت اعتراف کنند که ایران جزئی اساسی از نظام امنیتی منطقه است. ایران دیگر امنیت خود را فدای تأمین امنیت منطقه نخواهد کرد.

با پیگیری سیاست مزبور، ایران قصد دارد که به دیگر دولت های منطقه درباره عواقب ناشی از کمک به آمریکا در عملیات های نظامی احتمالی در آینده هشدار دهد و به آن ها بفهماند که چنین عملی به ناامنی بیشتر در کل منطقه خواهد انجامید. آینده روابط آمریکا- ایران در دوران اوباما تا حد زیادی در گرو قبول هزینه واقعی ایران در تأمین ثبات منطقه از جمله هزینه مقابله با رژیم طالبان و نقش اساسی ایران در تأمین ثبات به ویژه در افغانستان، عراق و خلیج فارس از سوی آمریکا در سال های آتی است. مادامی که دولت اوباما با ایجاد رقابت های منطقه ای، در پی فشار بر ایران برای توقف برنامه هسته ای

خود و دیگر مسائل مهم منطقه ای برآید، فرارفتن روابط آمریکا- ایران از حد حرف بسیار دشوار است.

جلوگیری از تهدیدهای امنیتی آینده

واقعیت های ژئوپلتیک ایران، سیاست های قومی و ویژگی های فرهنگی- مذهبی آن، امنیت ملی این کشور را به امنیت کل منطقه گره می زند. ایران برای جلوگیری از تهدیدهای امنیتی آینده این حق را برای خود محفوظ می دارد که به طور متعادل در بافت اقتصادی و فعالیت های منطقه دخالت کند. به یمن ایفای نقشی بزرگتر، مسئولیت های مؤثرتر و اطمینان از اینکه قادر به پیشگیری از تهدیدهای آینده است، ایران خواهد توانست که نیروی سیاسی و نظامی را برای گسترش اقتصادی و سیاسی به کار گیرد. از این منظر، برقراری توافق های دوجانبه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی - امنیتی ثبات بیشتر و همکاری دوجانبه را برای منطقه به ارمغان خواهد آورد. هدف از مداخله ایران در عراق جلوگیری از چالش های آینده است. تهران با حمایت از فرقه ها یا گروه هایی که بر خلاف گذشته راه دوستی با ایران را در پیش گرفته اند و به شرکت در ائتلاف ضد ایران در آینده نزدیک رغبتی نشان نمی دهند، تلاش کرده است که بغدا را به ایفای نقش شریک استراتژیک خود در منطقه وا دارد.

سیاست خارجی کمک به دیگر کشورها و ایجاد اتحاد

سیاست خارجی احمدی نژاد در دوره اول ریاست جمهوری وی از دو بخش مکمل تشکیل می شود: نخست؛ سیاست "ایجاد اتحاد" و دوم؛ رویکرد "کمک به دیگر کشورها" برای اجرای سیاست خارجی. عوامل فوق به این دلیل که در موقعیت ژئواستراتژیک و ایدئولوژی ایران ریشه های عمیق دارند، همواره نقش اصلی را در سیاست خارجی ایران ایفا می کنند. تنها چیزی که از این دولت به آن دولت تغییر کرده است، اولویتی است که به هر یک از این عوامل داده شده است.

در دوران "هاشمی رفسنجانی" (۱۹۸۹-۱۹۹۷) در پی جنگ ایران - عراق، تهران سیاست خارجی کمک به دولت هایی نظیر "کویت" و "عربستان سعودی" را در اولویت قرار داد. دولت خاتمی که سیاست خارجی خود را با توجه به "تشنج زدایگ و گایجاد

اعتماد برنامه ریزی " کرده بود، سیاست مزبور را نیز دنبال نمود. ایران در زمان او روابط قدرتمند خود را با "سوریه" و "حزب الله لبنان" حفظ نمود و نسبت به ترمیم روابطی که پس از انقلاب اسلامی تیره شده بودند، از خود اشتیاق نشان داد. با این همه، احمدی نژاد اولویت سیاست خارجی ایران را معکوس نمود. وی در عین تلاش برای حفظ روابط دوستانه ایران با مصر و عربستان سعودی بر اهمیت متحدان منطقه ای ایران نظیر سوریه و فرقه های دوست نظیر حزب الله و حماس تأکید نمود. احمدی نژاد برخلاف همتایان پیشین خود، در صدد پیوند مشکلات منطقه با نقش گسترده تر ایران در منطقه و برنامه هسته ای آن برآمد.

در نتیجه احمدی نژاد کوشید تا با هیاهو درباره فلسطین و حمله نظامی اسرائیل به لبنان در تابستان ۲۰۰۶ نقش ایران را در منطقه گسترده تر سازد. مناقشات مزبور که در نظر او ریشه در مسائل تاریخی دیرینه ای نظیر دشمنی و بی عدالتی دارد، در ذهن از تلاش های غرب برای کند ساختن روند توسعه ایران با محروم ساختن ایران از مجموعه ای از فناوری ها به ویژه فناوری هسته ای صلح آمیز گره خورده است. او همچنان معتقد است که با سخنرانی درباره مسائل منطقه و تبیین آن ها در روابط دچار مشکل شده ایران با غرب می توان سیاست عمومی ایران را بهبود بخشید و حمایت انبوه از دولت های بزرگ مسلمانان را کسب نمود. با این حال، سیاست خارجی کمک به دیگر کشورها بر عوامل ژئوپلیتیک، ایران بایستی تنها به امور مربوط به امنیت سیاسی همسایگان نزدیک خود نظیر افغانستان، عراق و خلیج فارس بپردازد. از این نظر، مداخله بیش از حد در امور دنیای عرب که ژئواستراتژیک و از نظر فرهنگی مزبوط به منافع ملی ایران نیستند برای ایران گران تمام شده و نیرو و ثروت این کشور را به هدر داده است.

تجربه نشان داده است که ایران هر چه بیشتر احساس خطر کند، برمیزان حضور خود در منطقه خواهد افزود. هرچند حضور گسترده تر ایران در منطقه موجب تقویت قدرت بازدارندگی این کشور در مقابله با تهدید های امنیتی احتمالی در کوتاه مدت خواهد شد، موجب تنش بیش از حد و ناهماهنگی استراتژیک در روابط ایران با بازیگران اصلی منطقه نظیر عربستان سعودی و آمریکا نیز خواهد شد. از این نظر، ایران بایستی با

مصر و عربستان سعودی متحد شود و روابط استراتژیک خور را با سوریه حفظ کند و به حمایت خویش از حزب الله به عنوان نهادی دوست و شیعه مذهب ادامه دهد تا بتواند نقش سیاسی خود را در عرصه سیاسی لبنان نهادینه سازد و تلویحاً راه حل دو کشوری را درباره اسرائیل و فلسطین بپذیرد.

سیاست خارجی دیرینه ایجاد اتحاد ایران اهمیت چشمگیری برای دو عامل "ژئوپلیتیک" و "ایدئولوژیک" قایل است و بیشتر بر رویکرد سیاست خارجی امنیت سیاسی تمرکز دارد. بر اساس این دیدگاه، اتحاد ایران با سوریه بیشتر هدف "متعادل سازی تهدید نظامی اسرائیل" یا "قدرت بازدارندگی" آن برای مقابله با تهدیدهای احتمالی ناشی از حضور نظامی آمریکا در امتداد مرزهای خود را دنبال می کند. هدف اصلی ایران از ایجاد روابط نزدیک با حزب الله کسب منافع اهمیت استراتژیک دو طرف از جمله مقابله با تهدیدهای نظامی اسرائیل و نهادینه سازی نقش شیعیان در عرصه سیاسی قدرت در منطقه است. با این همه، دوطرف بدون شک دارای روابط تنگاتنگ فرهنگی و ایدئولوژیک هستند که این خود به افزایش اتحادسیاسی و اخلاقی آن دو منجر می شود و نقشی مهم و اجتناب ناپذیر در نبرد قلب ها و مغزها ایفا می کند.

در این میان، انقلاب اسلامی ایران بایستی از نفوذ ناشی از سیاست خارجی خود کاملاً استفاده کند. انقلاب اسلامی ایران را از کشوری حاشیه ای به بازیگری فعال در منطقه تبدیل ساخته است. توانایی ها و اقدامات دوستانه سیاسی آن منطقه نقش گسترده تر ایران را در منطقه ایجاب می نماید. ایران به عنوان کشوری غیر عرب زبان عموماً دارای اهرم های کمتری برای اعمال نفوذ در عرصه سیاست های منطقه است. در نتیجه، تهران بهره جستن از ویژگی طبیعی خود برای ایجاد موازنه در مسایل منفی در روابط خود با همسایگان عرب خور را ضروری می داند. برای نمونه، ایران با تشکیل ائتلاف با فرقه های سیاسی شیعه مذهب عراق قادر شده است که عراق را از کهنه حریفی سیاسی و تهدیدی نظامی به دولت دوست خود تبدیل کند. تحول مزبور نه تنها موجب کاهش نیاز به توان سیاسی و نظامی نمی شود، بلکه موقعیتی منحصر به فرد برای ایران در منطقه نحت سلطه اعراب ایجاد می کند.

ایران با افزایش گستره امنیتی خود، امنیت خود را با تحولات منطقه مربوط ساخته است و نقش خود را در مقابله با تهدیدهای ناشی از منطقه امنیتی همسایه خود گسترش داده است. این مهم نقشی اساسی در سیاست خارجی احمدی نژاد در دوره اول ریاست جمهوری وی داشته است و به احتمال بسیار قوی در دوره دوم نیز ادامه خواهد یافت. نکته مهمی که بایستی بدان اشاره گردد، ارتباط میان برنامه هسته ای ایران با تحولات گسترده تر منطقه ای است. دولت او و نخبگان سیاسی ایران بدین روش در پی پیوند برنامه هسته ای ایران و مناقشات حل نشده منطقه و نگرانی های سیاسی ایران برآمده اند تا ارزش استراتژیک و قدرت مذاکره ایران در مذاکرات آینده حفظ کنند.

قرارداد کلی جامع

مذاکره بر سر چندین جبهه متفاوت به نفع ایران یا منطقه نیست و به راه حلی پایدار نخواهد انجامید. یگانه راه مؤثر پذیرفتن نگرانی های مشترک فوق الذکر در قالب قرار داد کلی جامع است که برابری استراتژیک ایران را در روند مذاکرات تأمین نماید. ایران تنها در این صورت اعتماد به نفس کافی برای کسب امتیاز های حقیقی برخوردار خواهد شد که سال ها در طلب آن بوده است. راهبرد امنیتی ایران در این زمینه بیشتر دفاعی است و بر امنیت درهم تنیده آثار زنجیروار ناشی از آن استوار خواهد بود. امنیت ایران به معنای امنیت منطقه و ناامنی در منطقه است. تشکیل اتحادیه ها و ائتلاف با فرقه های دوست در عراق، سوریه و لبنان با هدف تقویت سیاست خارجی دفاعی غیرمنفعل ایران و حمایت از ماهیت عمل گرایانه مداخله سرنوشت ساز ایران در منطقه صورت می گیرد. سه مسئله زیر سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار داده اند: مسئله هسته ای، روابط دوجانبه ایران و آمریکا و مناقشات حل نشده منطقه.

رهبران ایران به خوبی می دانند که تنها مسئله هسته ای ایران قادر است آمریکا را به پای میزهای مذاکره بکشاند و و انگیزه لازم را برای رفع مسائل حل نشده ای نظیر (حمایت ایران از حزب الله، حماس و جهاد اسلامی) فراهم سازد که از اهمیتی کمتر برخوردار هستند. برنامه هسته ای نقطه تلاقی آمریکا و ایران را تشکیل می دهد و در نتیجه دارای توانایی بی نظیری برای سرعت بخشی به روند رفع مسائل و مشکلات حل

نشده است. برخلاف دیگر مسائل سیاست خارجی که در مورد اختلاف یا در معرض بحث های جدی هستند، مسئله هسته ای ایران و حفظ چرخه سوخت مستقل هسته ای ایران این کشور با اتفاق نظر نخبگانی از گروه های مختلف سیاسی روبه رو شده است.

علاوه بر این، با وجود مخالفت های پس از انتخابات، مسئله هسته ای هم چنان مورد حمایت مردم ایران و دارای این توانایی است که در برابر انتقادهای خارجی به دولت احمدی نژاد مشروعیت بخشد. امروزه، برنامه هسته ای عامل پیشرفت فنی، غرور ملی و اتحاد تلقی می شود که هویت و جایگاه ایران را در منطقه و در سطح جهان تقویت می نماید. به همین دلیل، تمامی احزاب سیاسی ایران خواستار اتخاذ موضعی جدی از سوی ایران در مذاکرات مربوط به برنامه هسته ای امری فراتر از اختلاف های اصلاح طلبان و اصول گرایان است. تنها مسئله ای که اهمیت دارد، منافع ملی است.

این برنامه علاوه بر حمایت نخبگان از حمایت رهبر معظم انقلاب آیت الله خامنه ای، قوای مقننه، قضاییه و مجریه، نهاد های نظامی و نمایندگان عالی امنیت ملی به عنوان نهاد های اصلی تعیین سیاست خارجی ایران برخوردار است. علی رغم مخالفت های موجود میان نهاد ها و نمایندگان آن ها، شورای مزبور اتفاق نظر ایشان را تضمین می نماید. در نتیجه، تلاش های غرب برای بهره گیری از شکاف های ظاهری میان نخبگان ایران که با گذشت چند ماه از انتخابات ریاست جمهوری تا حد زیادی کاهش یافته است ناکام خواهد ماند. بنابراین، در صورتی که واشنگتن حاضر به انجام اقداماتی حقیقی در راستای ایجاد تغییراتی اساسی در سیاست خود نگردد، احمدی نژاد به سیاست غیرمنفعله خود برای مقابله با فشار غرب ادامه خواهد داد. آمریکا بایستی به جای کسب منافع گذرا و ناپایدار از طریق کژفهمی های خود از اهمیت و آینده عرصه سیاسی ایران در دوران پس از انتخابات ریاست جمهوری به تدوین چشم انداز طولانی مدت بپردازد.

در حال حاضر، اینکه چه کشوری بایستی قدم اول را بردارد و این قدم به چه صورتی باید باشد عامل اصلی اختلاف میان ایران و آمریکا است. در حالیکه دولت بوش از پیش شرط هایی از جمله تعلیق غنی سازی اورانیوم دم می زد، دولت اوباما از مذاکره بدون پیش شرط سخن می گوید. با این همه دولت او نیز بدون شک با تعیین ضرب الاجل هایی مبهم و

یک جانبه در اواخر سپتامبر ۲۰۰۹ در دام الگوهای پیشین افتاده است. بدون شک، دیپلماسی روندی دشوار و زمانبر است. با وجود این، ایران درهای نیروگاه قم را (که هم چنان در حال ساخت است) به روی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گشوده است. در مذاکرات "ژنو" در سال ۲۰۰۹، ایران به سرعت پذیرفت که اورانیوم غنی شده اعلام شده خود را برای پردازش به روسیه بفرستد. با این همه، به گواه بسیاری از کسانی که در ژوئیه ۲۰۰۹ شاهد ابراز احساسات اوپاما در کمیته امور خارجی کنگره آمریکا و تلاش وی برای توجیه تحولات ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری بودند، واکنش او در برابر انتخابات ریاست جمهوری ایران کاملاً حساب شده بود و از این باور نشأت می‌گرفت که واشنگتن می‌تواند از شکاف ظاهری میان نخبگان ایران بهره جوید.

این راهبرد به دلایلی چند به شکست خواهد انجامید. نخست اینکه احمدی نژاد از اطمینان و حمایت آیت الله خامنه‌ای در مقام مرجع نهایی تصویب سیاست برخوردار است. در واقع، پیش افتادن نامزد کاملاً اطلاع طلب از طریق تشنج زدایی میان آمریکا و ایران امری تقریباً محال است. موانع بنیادین و قدرتمندی که در برابر این عمل قرار گرفت هاست، تحقق چنین عملی را تقریباً محال می‌گرداند. با این حال، احمدی نژاد نسبت به قدم نهادن در مسیر دیپلماسی آمریکا و ایران مشتاق است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا اوپاما به مسیر دیپلماتیکی که بیشتر در مبارزه انتخاباتی و بعدها در مراسم معارفه خود بدان اشاره کرده بود، پایبند خواهد ماند یا اسیر توهم رژیم از طریق بی‌ثبات نمودن ایران و کسب منافع از رهبران ایران خواهد گردید، چنین افکاری از سوی تمامی گروه‌های سیاسی ایران رد شده است.

علاوه بر این، مسائل منطقه‌ای را نمی‌توان جدا از کل مسئله در نظر گرفت. ایران به مدد اتخاذ سیاست خارجی فعال و مداخله سرنوشت ساز در مکان‌هایی نظیر افغانستان؛ غزه، عراق و لبنان توانسته است نقشی مشابه آمریکا ایفا نماید و مسابقه سنتی تک برنده (طبق معمول شکست برای ایران و برد برای آمریکا) را به مسابقه‌ای پنجاه پنجاه تبدیل سازد. فعالیت منطقه‌ای این فرصت را در اختیار ایران قرار داده است که به تعریف مجدد نقش خود در گستره امنیتی خود به ویژه در خلیج فارس و عراق بپردازد. در واقع، حضور

فعال ایران در سه دور از مذاکرات مستقیم با آمریکا بر سر مسائل امنیت سیاسی عراق حاصل نقش منطقه ای روزافزون ایران بود. برنامه هسته ای ایران بدون شک فرصتی را برای مذاکرات مستقیم اشتیاق نشان می دهند. نقش روزافزون ایران در منطقه و دخالت آن در مسائل استراتژیک مهم جهانی دخالت واشنگتن را اجتناب ناپذیر می سازد. اتخاذ موضعی قدرتمند و مشابه با موضع آمریکا درباره مسائل منطقه و استقلال ایران در مقابله با تهدیدهای نظامی احتمالی آمریکا بر اشتیاق ایران برای آغاز مذاکرات مستقیم می افزاید.

اگر اوپاما در دام توسل به تهدیدها و سیاست های جزمی همتایان پیشین خود گرفتار گردد، فرصتی تاریخی از دست خواهد رفت. عراق و افغانستان کاملاً بی ثبات هستند و ایران قادر است نقشی حیاتی در ایجاد امنیتی پایدار در منطقه ایفا کند. با این حال، احمدی نژاد از حق ایران برای در اختیار داشتن چرخه سوخت هسته ای دست نخواهد کشید. او مشروعیت دولت و اعتبار خود را تا حد زیادی قربانی این مسئله کرده است. پرونده هسته ای هیچ گاه تا این اندازه تحت کنترل بلا معارض او نبوده است. این سؤال مهم درباره آمریکا پیش می آید که آیا اوپاما تمایل دارد که در برابر وسوسه تسلیم شدن در برابر فشارهای داخلی و خارجی مقاومت نماید و گام هایی شجاعانه در راه حضور در دیپلماسی معنادار بردارد. استمرار تلاش ها برای منزوی و ضعیف ساختن ایران تنها به ضرر اهداف آمریکا (تضمین ثبات، عدم تولید و تکثیر تسلیحات و رفع مناقشات کنونی منطقه) خواهد بود.

نتیجه گیری

در نتیجه، سیاست گذاران بایستی به سه مسئله مهمی که اساس دور دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد، آینده روابط ایران - آمریکا و ثبات خاورمیانه را تشکیل می دهند، کاملاً توجه کنند. این سه مسئله عبارتند از سیاست خارجی دفاعی ایران، بحران هسته ای و تشنج زدایی میان ایران و آمریکا.

شکی نیست که ارائه راه حلی واقع بینانه و پایدار برای بحران هسته ای کلید حل معنای ایران و کاهش بدگمانی شدیدی است که میان ایران و آمریکا وجود دارد. اهمیت راه حل مزبور از این سرچشمه می گیرد که این راه حل نه تنها گشاینده درهایی است

که رو به "معامله ای بزرگ" باز می شوند، بلکه تسهیل کننده همکاری ایران و آمریکا و رفع دشمنی این دو کشور است. از نظر ایران، در دراز مدت، هر چند جز حضور مستمر چرخه سوخت هسته ای مستقل ایران در خاک این کشور غر قابل قبول و مغایر با نظر جمعی گسترده و دیرینه نخبگان سیاسی ایران است. به رسمیت شناختن ایران به عنوان قدرت صلح آمیز هسته ای از سوی آمریکا در عوض حضور در کنسرسیوم جهانی نظارت بر تأسیسات هسته ای ایران و ارائه ضمانت هایی جدی و قانع کننده مبنی بر عدم نظامی سازی و تولید و تکثیر تسلیحات تنها راه حل عملی است.

رفع بحران هسته ای ایران در گرو رفع بحران های مختلف منطقه ای مانند بحران عراق و افغانستان و تنش ها و درگیری های ناشی از منازعه اسرائیل و اعراب (که حزب الله نقشی اساسی در آن ایفا می کند) است. رفع مسئله هسته ای، تأیید جایگاه ایران به عنوان قدرتی منطقه ای و ادغام آن در بافت امنیتی منطقه ایران را قادر خواهد ساخت تا با هماهنگی با آمریکا نقشی متفاوت با نقش دشمن استراتژیک آمریکا را ایفا نماید و امنیت بیشتر را به منطقه هدیه کند. با رفع بحران و کاهش حضور نظامی آمریکا در منطقه تا حدی که هراس های امنیتی ناشی از ماهیت کاملاً دفاعی سیاست خارجی ایران کاهش یابد، اهداف منطقه ای ایران و آمریکا از انحصار دوجانبه به سمت همزیستی سوق خواهد یافت.

دوره دوم احمدی نژاد ریاست جمهوری نژاد در عین تأکید بر کسب منافع ملموس غیر منفعل خواهد بود. واکنش آمریکا هسته اصلی موضوع را تشکیل می دهد. در صورتیکه اوباما از طریق شورای امنیت فشار حاصل از تحریم ها را بر ایران افزایش دهد، بر وعده های او برای تغییر روابط استراتژیک آمریکا با ایران صدمه ای جبران ناپذیر وارد خواهد آمد و بدبینی و هراس رهبران ایران از سخنان گمراه کننده آمریکا به کرسی خواهد نشست. تریک سال نو در قالب کلماتی روشن و دلپذیر برای خروج از بن بست کافی نیست. اوباما بایستی میان ثبات طولانی مدت که از نظر استراتژیک برای آمریکا و جهان اهمیت دارد و منافع کوتاه مدت ناشی از این خیال خام که چنین اهرمی به مسابقه ای با یک برنده یعنی آمریکا خواهد انجامید، دست به انتخاب بزند. تا چند هفته دیگر تکلیف این مسئله روشن خواهد شد.

- Ali Akbar Dareini "Iran Leader Rebuffs Obama Overtures" Washington Times March 21 ,2002 [http:// www. WashingtonTimes .Com / news/2002/mar/21/iran –leader-spurns pbama-overtures/](http://www.WashingtonTimes.Com/news/2002/mar/21/iran-leader-spurns-pbama-overtures/).
- For an Iranian perspective on the issue of " Shi'a crescent"see Kayhan Barzwar, "Iran and the Shi'a Crescent : Myths and Realities, " Brown Journal of WorldAffairs XV,no.1 (Fall/Winter 2002):28-22
- See Yossi Alpher," Stopping Iran Must be the Objective in Iraq ," Forward October 10, 2008, [http://www.forward.com/articles /11828/ #](http://www.forward.com/articles/11828/#), Yossi Alpher, "Except That the Regime in iran Is Here to Stay , "Forward ,February 602002 [http:// www. Forward.com/ articles / 12643](http://www.Forward.com/articles/12643)
- See David Menashri, "Iran's Regional Policy :Between Radicalism and Pragmatism" Journal ofinternational Affairs 60,no.2 (March 2008): 154-158, R.K. Ramazani, " Ideology and Pragmatism in Iran's Foreign Policy," The Middle East Journal52,no. 4 (fall 2004): 550
- See Dilip Hiro , Wining Iraq Without Losing to Iran"Daily Times, April 2502002,[http://www.dailytimes .com.pk/ print. asp?page = 2002004025/ story –25-4-2002-pg3-6](http://www.dailytimes .com.pk/print.asp?page=2002004025/ story-25-4-2002-pg3-6).
- See Juan Cole, " Iran Supported al –Maliki against Militias: osc:Is the Baker Plan Back? Did Iran Expel Muqtada?"Informed Comment Blog, April 1302002,[http://www. juancole. com/ 200204/iran-supported-al-malikiagainst. html](http://www.juancole. com/200204/iran-supported-al-malikiagainst. html):Leila Fadel, " Iranian General Played Key Role in Iraq Cease- Fire,"McClatchy Newspapers, March3002002, [http:// www. mcclatchydc .com](http://www.mcclatchydc .com)

/288/ story/ 32055 . html

- See Mohsen Milani, "Iran's Policy Towards Afghanistan," *The Middle East Journal* 60, no. 2 (Spring 2006): 246-248

- In the course of Iraqi force 's conflict with the Sadrists in Basra in March 2002, Iran mediated to settle the crisis. See Hiro, "Wining Iraq Without Losing to Iran".

- For example . Iran has hosted and participated in most of the regional conferences at the different levels of foreign and interior ministers held on Iraq's security during 2004 2002 : May and November 2004 in Sharm el- Sheikh, November 2004 and July 2005 in Tehran, August 2008 in Damascus, November 2008 in Istanbul, and April 2002 in Kuwait (See "Kuwait Conference: 20 Regional, Int'l Events but did they Bring Security, Stability to Iraq?" *Iraqi News* , April 23 2002, [http:// www.iraqinews.com/conferences/Kuwait – conference -20- regional-intl-events-but-did they-bring-security-stability-to-iraq.html? Itemid=126](http://www.iraqinews.com/conferences/Kuwait%20-%20regional-intl-events-but-did-they-bring-security-stability-to-iraq.html?Itemid=126)) . Iran also actively participated in the Doha conference held to bring a ceasefire in Lebanon in May 2002. Iran's involvement itself , however, is an issue of concern to Arab countris in the Middle East.

- See Asaddollah Alma, *The Diaries of Alma* (Tehran: Mazyar Publication, 2003) (in Persian).

- For more information on offensive defense, see Michael E. Brown, Sean M. Lynn-Jones, and Steven Miller, eds., "Preface" in *The Perils of Anarchy: Contemporary Realism and International Security* (Boston, MIT Press, March 2005), p. xi

- Asseritons on enhancing bilateral and mutual economic and political-security cooperation have always been initiated by Iran's officials. See for instance, Ahmadinejad's 12-article initiative presented in the Gulf Cooperation Council's 22 th summiy, held in December 2008 in doha, Qatar .See "Iran Presents 12 Proposals at PGCC Summit," Payvand's Iran News ,December 402008, [http:// www.payvand.com/news/08/dec/ 1022.html](http://www.payvand.com/news/08/dec/1022.html). Also see the 10-article initiative presented by Hassan Rohani, former secretary of Iran's National Security Council at the World Economic Forum in Doha, Qatar in April 2008. See Kaveh. Afrasiabi, "Iran unveils Persian Gulf security plan," Asia Times, April 1402008, [http:// www.atimes. com/atimes/Middle-East/ ID14AK04.html](http://www.atimes.com/atimes/Middle-East/ID14AK04.html).

- See Kayhan Barzegar , " D tente in Khatami's Foreign Policy and its Impact on Improvement of Iran-Saudi relations," Discourse :An Iranian Quarterly 2,no.2(fall 2000):163-164

- See Mahmood Sariolghalam " The Shia Revival : A Threat or an Opportunity," Journal of International Affairs 60, no.2 (Spring/ Summer 2008):205

- This defense strategy has repeatedly been asserted by Iran's high rank official such as Khamenei, Speaker of Majlis Ail Larijani, Secretary of National Security Council Saeed Jalili, and head of the Iranian Revolutionary Guard Corp [IRGC] Major General Jaffari. See " Iran's Leader Warns U.S. Against Attack," MSNBC.com February 202008 [http://www .msnbc.msn.com/id/18042605/](http://www.msnbc.msn.com/id/18042605/); " Middle East Security at Risk," CNN.com, February 202008, [www. cnn. com/ 2008/world/meast/ 11022/iran.nuclear/index.html](http://www.cnn.com/2008/world/meast/11022/iran.nuclear/index.html); IRGCC Commander Gen. Mohammad Ja'fari: If Attacked, Iran Will Target U.S. Forces in Neighboring Countries," MEMRI Special Dispatch ,no.1233, February

202002, [http:// www.memri.org/bin/articles.cig?Page=archives&Area=sd&ID= SP 123302](http://www.memri.org/bin/articles.cig?Page=archives&Area=sd&ID=SP123302).

- See Kayhan Barzegar, "The Paradox of Iran's Nuclear Consensus " World Policy Journal 26,no.3(fall2002):21-30

- Steven Erlanger and Mark Landler, "Iran Agrees to Send Enriched Uranium to Russia," New York TIMES, October 10 2002, [http:// www. nytime.com/2002/10/10/ world /middleeast/02nuke.html](http://www.nytime.com/2002/10/10/world/middleeast/02nuke.html)

- See "Iran :Recent Developments and Implications for U.S Policy," Hearing of the

House Foreign Relations Committee, July 22 2002, [http://www.carnegieendowment.org/files/0822-transcript_ sadjadpour_hearing.pdf](http://www.carnegieendowment.org/files/0822-transcript_sadjadpour_hearing.pdf)

